یادداشت

سامانه‌های دفاعی اسرائیل به اندازه تبلیغاتی که کرده بودند، نفوذناپذیر نبودند

فعال سیاسی اصولگرا گفت: هر اتفاقی و هر ماجراجویی از سمت اسرائیل یا آمریکایی‌ها یا متحدان‌شان با پاسخ محکم و کوبنده جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهد شد. امیدواریم که مسئله به همین‌جا ختم شود. اسرائیلی‌ها جواب محکم خود را گرفتند و متوجه شدند که سامانه‌های دفاعی‌شان به قدری که بر روی آنها تبلیغات انجام داده بودند، نفوذناپذیر و خدشه‌ناپذیر نیستند.

علی طهرانی‌مقدم درباره اقدام تلافی‌جویانه ایران علیه اسرائیل به ایلنا گفت: در پاسخ به این سؤال باید گفت که جمهوری اسلامی ایران هیچ وقت به دنبال ماجراجویی در منطقه نبوده و نیست و تمام تلاش خود را برای حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای انجام داده است. به اذعان دیگر دولت‌های جهان، ما باثبات‌ترین کشور منطقه هستیم و بیشترین کمک را به ایجاد ثبات در نظام بین‌المللی و منطقه‌ای انجام داده‌ایم.

او افزود: از طرف دیگر به واسطه مسئولیت‌های بین‌المللی که در مبارزه با تروریسم و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی داریم، با هرگونه ماجراجویی نیز برخورد خواهیم کرد. رژیم صهیونیستی بعد از حمله به سرزمین‌های اشغالی در فلسطین و کشتار کودکان و نوجوانان و دخالت‌های بیجا در امور منطقه‌ای و همچنین ماجراجویی در مسئله ایران، در سال‌های اخیر روزبه‌روز اقدامات خصمانه خود را در برابر جمهوری اسلامی ایران بیشتر کرده است و این موضوع در مراحل مختلف با پاسخ‌های مختلف و متناسب از جانب جمهوری اسلامی ایران همراه بوده است. اقدام اخیر در ماجرای حمله به کنسولگری ایران به نوعی حمله به خاک جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می‌شد؛ به طوری که رهبر انقلاب نیز در فرمایشات اخیرشان در روز عید فطر به‌صراحت اعلام کردند که این جنایت قطعا از سوی نیروهای مسلح ایران پاسخ داده خواهد شد.

این تحلیلگر مسائل سیاسی تصریح کرد: طبیعتا این اقدام طبق سخنان وزیر امور خارجه ایران عملیات محدود و متناسبی بود که در قبال حمله به کنسولگری اتفاق افتاد. البته این ماجرا باعث خشنودی جریانات مقاوت اسلامی شد و دل همه آزادی‌خواهان و مسلمانان جهان را شاد کرد که نمونه بارز آن را در ابراز شادی‌ها و خرسندی‌ها در برابر ماجراجویی صهیونیست‌ها در جهان اسلام می‌بینیم. عمده جریانات مقاومت از این موضوع استقبال کردند و از تصمیم شجاعانه‌ای که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با این اقدام گرفت، حمایت کردند.

طهرانی‌مقدم در پاسخ به این سؤال که تحلیل شما درباره آخرین وضعیت به‌وجودآمده بعد از پاسخ نظامی ایران در منطقه به چه صورتی است و آیا شاهد آتش‌بس خواهیم بود، گفت: در پاسخ به سؤال دوم باید گفت ممکن است پیش‌بینی قدری سخت و شرایط متغیر باشد. اقدامات صهیونیست‌ها به دلیل نداشتن وحدت داخلی مشخص نیست؛ اما نظر شخصی من این است که صهیونیست‌ها تمایل به ماجراجویی داشته و دارند.

او افزود: ما می‌دانیم که بنیامین نتانیاهو دولت متزلزلی دارد و دلیل عمده‌اش نیز برای توقف‌نیافتن جنگ و توسعه جنگ در واقع حل بحران‌های داخلی خود است؛ بنابراین این پدیده را باید در این شرایط داخلی و بین‌المللی فهم کرد و دید. هر اتفاق و هر ماجراجویی از سمت اسرائیل یا آمریکایی‌ها یا متحدان‌شان با پاسخ محکم و کوبنده جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهد شد. امیدواریم که مسئله به همین‌جا ختم شود، اسرائیلی‌ها جواب محکم خود را گرفتند و متوجه شدند که سامانه‌های دفاعی‌شان به قدری که تبلیغات روی آنها انجام داده بودند، نفوذناپذیر و خدشه‌ناپذیر نیست.

عملیات «وعده صادق» منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شد

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها گفت: یکی از پیامدهای ارزشمند عملیات «وعده صادق» افزایش سرمایه اجتماعی در درون کشور برای نظام بود. ملاحظه کردید که در داخل کشور ما آحاد مردم از اقوام و اقشار و ادیان مختلف از انجام این عملیات خوشحال بودند.

محمدصالح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها، درباره انجام عملیات «وعده صادق» و واکنش احتمالی به هرگونه خطای مجدد از سوی رژیم صهیونیستی، گفت: این حمله در پاسخ به گستاخی‌ها و جنایت‌هایی که رژیم صهیونیستی انجام داد و حمله‌ای که به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق انجام شد و تعدادی از مستشاران کشورمان را به شهادت رساند، دفاع مشروع براساس منشور سازمان ملل و حق جمهوری اسلامی بود.

او ادامه داد: در آن زمان هم شاهد این بودیم که متأسفانه نهادها و سازمان‌های بین‌المللی ازجمله سازمان ملل این حمله را محکوم نکردند و این گستاخی احتمالا در آینده هم تکرار می‌شود؛ بنابراین در عملیات محدودی که طراحی شد و به صورت محدود اجرا شد، با وجود ایجاد سپر دفاعی در مقابل موشک‌ها از طرف رژیم صهیونیستی، آمریکا، انگلیس، فرانسه و همچنین برخی کشورهای منطقه با هوشمندی و ابتکاری که سلحشوران ما به خرج دادند، بحمدالله اهداف مدنظر در سرزمین‌های اشغالی مورد اصابت موشک‌ها قرار گرفت.

نماینده مردم یزد در مجلس تصریح کرد: عملیات وعده صادق یک عملیات موفقیت‌آمیز بود که هم خوشحالی ملت ایران و هم امت اسلامی به‌ویژه مردم مظلوم غزه را در پی داشت که این مردم در شش، هفت ماه اخیر زیر بمباران‌های شدید قرار گرفته بودند. الان خوشحال شدند که دست بالاتری با عنایت خداوند متعال چنین عملیاتی انجام داد.

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها درباره دستاوردهای داخلی این عملیات ابراز کرد: این عملیات دستاوردها و فواید زیادی داشت؛ اما ازجمله مهم‌ترین آنها را می‌توان بیش از هر چیز نمایشی از قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی برشمرد؛ قدرت بازدارندگی در مقابل کسانی که تهدیداتی علیه منافع ملی کشور ما داشته باشند، با پاسخ محکم مواجه خواهد شد. دومین دستاورد هم تنبیه و مجازات هرگونه تجاوز بود و اینکه ما تجاوز را بی‌پاسخ نمی‌گذاریم.

او افزود: سومین نکته که اتفاق ارزشمندی هم بود، افزایش سرمایه اجتماعی در درون کشور برای نظام بود. ملاحظه کردید که در داخل کشور آحاد مردم از اقوام و اقشار و ادیان مختلف از انجام این عملیات خوشحال بودند و این نشان می‌دهد که عملیات وعده صادق توانسته منجر به ارتقای سطح وحدت ملی شود.

جوکار گفت: سران جنایتکار رژیم صهیونیستی مطمئن باشند که اگر بخواهند دست از پا خطا کنند و اشتباهی را مرتکب شوند، حتما پاسخ شدیدتر و پشیمان‌کننده دریافت خواهند کرد. نیروهای مسلح ما آمادگی کامل دارند تا به هرگونه جسارت و تعدی به خاک کشورمان پاسخی کوبنده بدهند.

بررسی تنش‌های منطقه و فعالیت‌های آتش‌افروزانه اسرائیل در گفت‌وگو با صادق زیباکلام

ضرر نمی‌کنیم اگر خودمان را برای بدترین سناریو آماده کنیم

عبدالرحمن فتح‌الهی: به دنبال سلسله کنش‌ها و واکنش‌ها بین ایران و اسرائیل، اکنون موضوع وقوع جنگ تمام‌عیار در منطقه از آن دست مقولاتی است که مورد بحث و بررسی جدی قرار گرفته و هرکس از منظر خود درباره آن اظهار نظر می‌کند؛ خاصه آنکه در ۴۸ ساعت گذشته، یک جریان‌سازی رسانه‌ای از سوی کشورهای غربی نیز علیه ایران شکل گرفته است دال بر اینکه پاسخ حمله اسرائیل اجتناب‌ناپذیر، مستقیم و درعین حال قریب‌الوقوع خواهد بود. «شرق» برای بررسی بیشتر این موضوع، به گفت‌وگویی با صادق زیباکلام نشسته است تا ارزیابی او را از روند تحولات در روزها و هفته‌های پیش‌رو داشته باشد. آنچه در ادامه می‌خوانید، ماحصل گپ‌وگفت با این استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی است.

عکس: عباس کوثری، شرق

جناب زیباکلام بنا دارم یک گفت‌وگوی چالشی با شما داشته باشم و سؤال اول هم ناظر بر بخشی از مناظره حضرت‌عالی در همان روزهای آغازین جنگ حماس و اسرائیل پس از عملیات طوفان‌الاقصی است که عنوان کردید «اگر سلسله کنش‌ها و واکنش‌هایی بین تهران و تل‌آویو شکل بگیرد، چه و چه... می‌شود». اخیرا هم دوباره همین جمله را تکرار کردید. آیا صادق زیباکلام ذیل یک توصیف بزرگ‌نمایی‌شده و تحلیلی سعی کرده است سطح نگرانی، دغدغه خود و دلسوزی‌اش برای ایران و آینده کشور را با این جمله برساند یا واقعا به آنچه گفتید باور دارید؟

اتفاقا فتح‌اللهی عزیز چون من دلم برای ایران، برای مردمم و ۸۵ میلیون ایرانی می‌سوزد، چنان تعبیری را به کار بردم. نه‌تنها برای ایران و ۸۵ میلیون ایرانی، بلکه واقعا دلم برای جمهوری اسلامی ایران هم می‌سوزد و به همین دلیل من واقعا این بیم و نگرانی را دارم که اگر سلسله کنش‌ها و واکنش‌ها بین ایران و اسرائیل به یک نقطه بحرانی برسد، ضربات و لطمات بسیار جدی به جمهوری اسلامی ایران بخورد. به همین دلیل من هشدار می‌دهم که از هر طریقی که شده، درگیری را در همین سطح تمام کرده و فیصله دهیم.

اما بپذیریم که واقعا توصیف شما نگرانی جدی‌ای را هم در جامعه تزریق می‌کند؟

بله، اما ما اکنون در شرایط حساسی قرار داریم. در وضعیت عادی که نیستیم. واقعیت‌ها را باید دید. این اجتناب‌ناپذیر است. درست است که دولت بایدن در هفت ماه گذشته اختلاف‌های گسترده و عمیقی را با دولت نتانیاهو پیدا کرده که بخشی از آن به واسطه مسائل انسانی و جنایاتی است که اسرائیل در نوار غزه مرتکب شده و کماکان این جنایات ادامه دارد، اما از طرف دیگر به واسطه همین جنایات اسرائیل، اکنون جهان عرب و جهان اسلام و نزدیک به دو میلیارد مسلمان بابت حمایت آمریکایی‌ها از اسرائیل خشمگین هستند و این فشار مضاعفی را به دولت بایدن وارد کرده است. به همین دلیل اکنون اختلافاتی جدی بین بایدن و نتانیاهو شکل گرفته است. اما با وجود همه این اختلاف‌ها، اگر درگیری جدی‌ای بین ایران و اسرائیل به وجود آید، شما شک نکنید که آمریکایی‌ها و حتی برخی کشورهای اروپایی، حمایت جدی و عملیاتی خود را از اسرائیل خواهند داشت. شما تردید نکنید در همان لحظات و ساعت اولیه، آمریکا وارد معرکه خواهد شد؛ کمااینکه دیدیم در جریان حمله موشکی و پهپادی شامگاه شنبه و بامداد یکشنبه ایران به اسرائیل، آمریکا در کنار فرانسه و انگلستان برای ساقط‌کردن پرتابه‌های ایران بسیار تلاش کردند.

که البته نتوانستند همه آنها را ساقط کنند...

من نمی‌گویم همه موشک‌ها و پهپادهای ایران را آمریکا زده است، اما می‌خواهم چیز دیگری بگویم. ببینید ایالات متحده زمانی که پای امنیت اسرائیل به میان آمد، تردیدی به خود راه نداد که باید وارد عمل شود؛ یعنی با وجود تمام اختلاف‌های نتانیاهو و بایدن، آمریکا در حالی که شاید تهدید جدی در میان نبود، پای کار آمد، وای به روزی که موضوع جنگ ایران و اسرائیل جدی شود.

باز هم در تقابل با گفته‌های شما، اگرچه بخشی از پیش‌بینی‌تان تاکنون، تأکید دارم تاکنون، درست از آب درآمده است، اما به نظر من و بدون تعارف پیش‌کشیدن مسئله پیاده‌کردن سربازان نظامی اسرائیلی و آمریکایی در ایران و اشغال کشور چندان انطباقی با شرایط کنونی ندارد. عدم تعمیم‌پذیری این قسمت از ارزیابی‌تان با واقعیات به‌شدت محل بحث و انتقاد است، نه؟

اتفاقا به همین دلیل است که من هم قبل‌تر گفتم که نه آمریکا و نه اسرائیل در صورت جدی‌شدن درگیری و جنگ با ایران، نه سربازی را در ایران پیاده می‌کنند و نه کشور را اشغال می‌کنند و نه حتی به دنبال تغییری در ایران هستند.

متوجه نشدم!

اجازه دهید. چرا آنها را گفتم؟ اینجا پاسخ سؤال شما را می‌دهم. چون اصلا آمریکا و اسرائیل به این مسائل نیازی ندارند. تنها چیزی که برای آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها اهمیت دارد، این است که ایران قدرت نظامی نداشته باشد که بتواند در سطح منطقه، تهدیدی برای امنیت اسرائیل باشد و این تنها دغدغه آمریکا و اسرائیل در رابطه با ایران است. اگر پرونده هسته‌ای هم جزء خطوط قرمز نتانیاهو و اسرائیلی‌ها به شمار می‌رود، به همین دلیل است که آنها نگران هستند روزی ایران به قدرت هسته‌ای نظامی دست پیدا کند. البته این به معنای آن نیست که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها ترجیح نمی‌دهند سیستم و ساختار کنونی در ایران تغییر کند. بله، تغییر ساختار در ایران، سناریوی ایدئال آنهاست، اما در یک وضعیت واقع‌بینانه که به تعبیر شما باید با واقعیات هم تعمیم پیدا کند، اولویت آنها نابودی توان نظامی ایران است. پس باید پرسید آیا با وجود آنکه آمریکا و اسرائیل سعی دارند سیستم و ساختار در ایران تغییر کند، حاضر هستند هزینه نظامی آن را بپردازند؟ حاضر هستند ایران را اشغال کنند؟ حاضر هستند نیروی نظامی را در کشور ما پیاده کنند؟ قطعا پاسخ آن خیر است؛ چون اولویت چیز دیگری است.

پس از پاسخ بامداد یکشنبه ایران به اسرائیل، اکنون همه می‌دانیم که توپ در زمین اسرائیل است. در ۴۸ ساعت گذشته هم فضاسازی و جریان‌سازی رسانه‌ای، سیاسی و دیپلماتیک عجیبی علیه ایران شکل گرفته است که محوریتش، اجتناب‌ناپذیربودن حمله متقابل اسرائیل و قریب‌الوقوع‌بودن آن است. حال در این بین دو نگاه وجود دارد. من اخیرا در گفت‌وگویی که با آقای شمس‌الواعظین داشتم، از ایشان پرسیدم و عنوان کردند اسرائیل جرئت حمله به ایران را ندارد. این نگاه غالب طیفی از ناظران است. در مقابل هم پس از ادعاهای مقامات اسرائیلی، این گزاره پررنگ‌تر شده است که برعکس، می‌توان شاهد واکنش متقابل اسرائیل و حمله به ایران بود. در این بین، حضرت‌عالی همواره درخصوص اسرائیل سناریوهای متعدد را پیش‌بینی کرده‌اید و تمرکزتان را هم روی بدترین سناریوها گذاشته‌اید. من هم با شما معترفم که ایران هیچ‌گاه ضرر نخواهد کرد که در مقابل اسرائیل بدترین سناریوها را در نظر بگیرد و خود را برای بدترین حمله اسرائیل آماده کند. با این وجود سؤال اینجاست که چرا واقعا خلأ چنین نگاهی در خوانش شما وجود دارد؟ آیا صرفا موضوع خلط قرائت‌های ایدئولوژیک با تحلیل‌های سیاسی و دیپلماتیک است؟

سؤال خوبی را پرسیدید که تاکنون از من چنین سؤالی پرسیده نشده بود و خودم هم به آن توجه نکرده بودم. به نظر من اینجا موضوع نگاه تحقیرآمیز است؛ یک نگاه تحقیرآمیز به دشمن...

و این نگاه تحقیرآمیز ریشه در همان قرائت ایدئولوژیک دارد؟

خیر، به نظر من ریشه در نگاه دیگری دارد. بخشی از چهره‌های سیاسی نزدیک به دولت و مجلس، نگاهی محکم نسبت به توان نظامی و دفاعی کشورمان دارند و در مقابل یک تصور تحقیرآمیز از اسرائیل دارند و فکر می‌کنند اسرائیل هیچ‌گاه جرئت یا توان حمله به ایران را ندارد و از ما می‌ترسد. این نگاه بسیار خطرناک است؛ آن‌هم در شرایط حساس کنونی. ما در ضرب‌المثل قدیمی ایرانی هم داریم که «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد» و این بدترین نگاه است که می‌تواند هزینه‌زا باشد.

فتح‌الهی عزیز من نمی‌گویم در اسرائیل یا در ارتش آمریکا و دیگر کشورها مشکلاتی وجود ندارد یا نیروهای منطقه‌ای برای آنها مشکلاتی ایجاد نکرده‌اند، اما به قول شما که کاملا درست است ما ضرر نمی‌کنیم همیشه سناریوهای مختلفی را در نظر داشته باشیم و حتی خودمان را برای بدترین سناریو آماده کنیم. ما ضرر نمی‌کنیم به فرض دشمن را از خودمان باهوش‌تر بدانیم. ما ضرر نمی‌کنیم دشمن را از خودمان قوی‌تر بدانیم. ما ضرر نمی‌کنیم فکر کنیم که اسرائیل و آمریکا اکنون در اوج آمادگی هستند و خودشان را برای یک حمله گسترده و بی‌سابقه به ایران آماده می‌کنند. چون حداقلش این است که اگر حمله‌ای هم نشد ایران توان آمادگی را همیشه برای خودش حفظ کرده است. این نگاه درست است یا تصور کنیم که اسرائیل جرئت حمله به ما را ندارد و آمادگی لازم را هم نداشته باشیم و ناگهان حمله صورت گیرد. حالا چه اشکالی دارد که برای تداوم آمادگی تصور کنیم که اتفاقا اسرائیل قدرت و جرئت حمله مستقیم به ما را هم دارد!

البته این نگاه به معنای تزریق ناامنی یا تشویش اذهان هم نیست که خلاف منافع ملی و امنیت ملی توصیف و تعبیر شود. تأکید بر این است که این نگاه به عنوان راهبردی برای تداوم آمادگی وجود داشته باشد.

فتح‌الهی عزیز ما تجربه هشت سال جنگ تحمیلی را داریم. اینجا موضوع تشویش اذهان عمومی یا تزریق نگرانی نیست. من گفتم و دوباره تکرار می‌کنم دلم برای کشورم می‌سوزد. دلم برای مردم می‌سوزد. دلم برای جمهوری اسلامی می‌سوزد و اتفاقا به دلیل دلسوزی ما باید دشمن را باهوش‌تر و قوی‌تر از خودمان بدانیم و این به معنای آن نیست که ما نگرانی را به جامعه تزریق کرده‌ایم. اکنون هم سال‌هاست همین نگاه تحقیرآمیز به دشمن وجود دارد، اگر واقعا دشمن را باهوش‌تر از خودمان می‌دانستیم شاید در این ۴۴ سال به شکل دیگری عمل می‌کردیم. شما توصیف مبالغه‌آمیز من درخصوص این جمله که اگر اسرائیل و آمریکا به ایران حمله کنند چه وچه می‌شود را زیر سؤال بردید، اما خودتان هم گفتید که نباید دشمن را دست‌کم گرفت. پس من معتقدم اگر ما در ارزیابی‌مان از دشمن یک توصیف مبالغه‌آمیز داشته باشیم، ضرر نمی‌کنیم. اتفاقا اگر تصور مبالغه‌آمیز داشته باشیم، بهتر از آن است که تصور کنیم اسرائیل و آمریکا هیچ توان و جرئتی ندارند. در حال نابودی و اضمحلال هستند و ما آنها را به راحتی شکست می‌دهیم.

اینجا دو مرز باریک وجود دارد که باید با شما به شکل جدی و صریح تبیین و تشریح کنم تا مخاطب دچار سوءمحاسبه نشود. همان‌گونه که پیرو سؤال قبلی باید مرز مشخصی را حد فاصل بین نگاه واقع‌بینانه و قائل‌بودن به این نکته اغراق‌آمیز که دشمن از ما قوی‌تر و باهوش‌تر است با تزریق نگرانی و تشویش اذهان عمومی تعیین کرد، باید تمیزی هم بین واقع‌بینی تحلیلی و قرائت‌های ضد منافع و امنیت ملی هم روشن کرد. پیرو همین نکته اَخیرا برای کسانی چون عباس عبدی، یاشار سلطانی، حسین دهباشی، اعتماد و... اعلام جرم شده است. حال باید پرسید چگونه می‌توان بین ارزیابی درست از شرایط با قرائت‌هایی که به زعم سیستم ضد امنیت ملی و منافع ملی است یک تمایز قائل شد؟ بدون تعارف ما در جامعه سیاست‌زده‌ای قرار داریم که هرگونه تعبیری، هرگونه تحلیلی، هر توییتی، هر پست اینستاگرامی و هرگونه مصاحبه و اظهارنظری می‌تواند با یک نگاه نسبی، هم خوانش ضد امنیت و منافع ملی پیدا کند و هم در چارچوب نظام هم تعریف شود؟ پس واقعا باید پرسید خط تمیز کجاست و مسئول تفسیر این تمایز کیست؟

سؤال‌هایت یکی پس از دیگری اتفاقا چالشی و بسیار خوب هستند. اتفاقا این سؤال را بیشتر باید از قوه قضائیه پرسید که واقعا ملاک اعلام جرم علیه این افراد چیست؟ چه کسی گفته است که هرچه مقامات سیاسی و دیپلماتیک و نظامی و دفاعی بگویند مصداق دفاع از تمامیت ارضی و حفظ امنیت و منافع ملی است و در مقابل هرچه امثال صادق زیباکلام و عباس عبدی و زیدآبادی و سلطانی و دهباشی و دیگران بگویند ضد منافع و امنیت ملی است؟ چه کسی این را تعیین می‌کند؟ کدام نهاد، کدام قوه و از همه مهم‌تر با چه استدلالی؟ آیا صرف اینکه ما به آنها انتقاد می‌کنیم یک حجت حقوقی می‌شود که هرچه ما بگوییم ضد منافع و امنیت ملی است؛ این می‌شود دلیل؟! چه کسی گفته اگر حسین امیرعبداللهیان، ناصر کنعانی، باقری‌کنی و امثالهم حرفی زدند، مصاحبه‌ای کردند، توییتی زدند و چیزی را عنوان داشتند عین امنیت ملی است. بروید از مردم بپرسید که آیا واقعا آنچه ما می‌گوییم ضد منافع و امنیت ملی است؟ آیا گفته‌های ما نگرانی برای آنها به وجود آورده یا تشویش اذهان عمومی در جامعه ایجاد کرده است؟! مگر می‌شود هرچه آنها بگویند عین دفاع از امنیت ملی و تمامیت ارضی است و هرچه ما بگوییم بازی در زمین دشمن و تلاش برای تشویش اذهان عمومی و ضد منافع و امنیت ملی باشد. اتفاقا همین‌جا و از تریبون روزنامه «شرق» به شکل صریحی می‌گویم که من از تمام این افرادی که نام بردم، از بسیاری مسئولان دفاعی و دولت رئیسی، دلم برای این مردم، برای ایران و حتی برای جمهوری اسلامی ایران بیشتر می‌سوزد و من قلبم برای ایران و ایرانی می‌تپد. البته من نمی‌گویم این مقامات و مسئولان دلسوز نیستند. آنها هم به سهم خود دلسوزند، ولی من به شما قول می‌دهم و تأکید می‌کنم که دل من بیشتر می‌سوزد، کما اینکه دوستانی مانند آقای عبدی، زیدآبادی و سایرین هم دلسوز کشور هستند و از سر نگرانی چیزی می‌گویند. آنها هم نگران منافع و امنیت ملی هستند. اصلا مگر ما دستگاه دلسوزسنج داریم؟! ما دستگاه امنیت ملی سنج داریم که آن را به افراد وصل کنیم و بفهمیم چه کسی دلش برای کشور و مردم می‌سوزد یا چه کسی دغدغه امنیت و منافع ملی را دارد؟

نکته مهم‌تر این است که اگر واقعا با این نگاه نسبی و سلیقه‌ای بخواهیم به صرف اینکه کسی انتقادی یا هشداری، تذکری و نگرانی‌ای را در محافل رسانه‌ای و کارشناسی مطرح کرد، مصاحبه‌ای داشت، نوشته‌ای یا مقاله‌ای را منتشر کرد یا توییتی زد، آن را ضد منافع و امنیت ملی بخوانیم و علیه آنها اعلام جرم کنیم و با این دست تعابیر که می‌خواهیم مانع از تشویش اذهان عمومی و نگرانی در جامعه شویم، فضا را ایزوله و قرنطینه کنیم. با این نگاه نتیجه‌ای نمی‌گیریم. ما باید همه نگاه‌ها، همه آرا و نظرات را پذیرا باشیم، حتی اگر منتقد شرایط باشند. چون اتفاقا در دل همین انتقادات نکاتی وجود دارد که می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند و ما را در برون‌رفت از مشکلات کنونی یاری برساند. با اعلام جرم، کار پیش نمی‌رود، کما اینکه پیش از این هم نرفته است. رسانه‌ها، تحلیلگران و ناظران باید آزادانه و در عین تلاش برای جلوگیری از تشویش اذهان باید به روشنگری افکار عمومی کمک کنند. روزنامه‌ها باید تحلیل درستی به مردم بدهند. نمی‌شود به روزنامه و روزنامه‌نگاران یا به صاحبان قلم امر و نهی کرد که چه بنویسند یا ننویسند.

مرز باریک دومی که جا دارد اینجا به شکل صریحی روشن شود این است که اگرچه حضرت‌عالی و من در راستای کمک به تداوم قدرت خود و در مبالغه برای اسرائیل یک موجودیت هوشمند و دارای قدرت متصوریم و می‌گوییم این تصور را ادا کنیم، اما به معنای نادیده‌گرفتن جنایاتش طی ۸۰ سال اخیر نیست؛ به معنای تأیید اشغالگری آنها نیست. اینجا هم مرز باریک احترام به دشمن و اذعان به تجاوز، کجاست؟

چه نکته خوبی را گفتید. اتفاقا نه شما، بلکه جریان رادیکال بروند تمام مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، مطالب، یادداشت‌ها و کتاب‌های من را بیاورند و بررسی کنند؛ یک جمله نمی‌توانند پیدا کنند که در آن صادق زیباکلام جنایات، کشتار، تجاوز و اشغالگری اسرائیل را در ۸۰ سال گذشته تأیید کرده باشد. بله من معتقدم که جمهوری اسلامی ایران باید اسرائیل را به عنوان دشمنی تصور کند که با هوش و قوی است تا همه سناریوها و به‌خصوص بدترین سناریوها را برای آن در نظر بگیرد و همیشه آماده باشد. اما عدم تحقیر اسرائیل به معنای نادیده‌گرفتن جنایاتش نیست. من همین چند وقت پیش با شما درخصوص دادگاهی شدن به دلیل توییتی که درباره نقش اسرائیل در عملیات تروریستی کرمان نوشتم، داشتم. آنجا هم گفتم که من در این مدت با وجود تمام توهین‌ها و فحاشی‌ها و لعن و نفرین‌ها، توییت‌های انتقادی بسیاری به جنایات اسرائیل طی هفت ماه گذشته داشتم. اما این تجاوز، این جنایات، این کشتار، این اشغالگری و خون‌ریزی اسرائیل نباید باعث شود که ما یک نگاه غیرواقع‌بینانه داشته باشیم و بدون در نظر گرفتن واقعیات و ضروریات آمادگی مداوم یک ادبیات تحقیرآمیز را به کار ببریم. پس از حمله ما به اسرائیل از بامداد یکشنبه اکنون باید خودمان را برای بدترین سناریوها آماده کنیم. دو حالت که بیشتر ندارد.

یا این حمله اسرائیل به ما اتفاق می‌افتد یا نمی‌افتد؛ اگر اتفاق افتاد که آمادگی‌اش را از قبل داشتیم؛ چون خودمان را برای بدترین سناریوها و جنگ آماده کرده بودیم. اگر هم اتفاق نیفتاد که ضرر نکرده‌ایم؛ آمادگی خود را بالاتر برده‌ایم. این کجایش ضرر دارد؟! این کجایش می‌شود تأیید اشغالگری و کشتار و جنایت اسرائیل؟! نمی‌شود همه چیز را با هم قاطی کرد. چون اسرائیل اشغالگر است. چون اسرائیل جانی است. چون اسرائیل دست به کشتار ۴۰ هزار فلسطینی در هفت ماه گذشته زده است؛ پس اسرائیل در حال نابودی است. اینکه نمی‌شود تحلیل. باید واقعیت‌ها را هم ببینیم و پای‌مان را روی زمین بگذاریم. نمی‌شود شعار داد و با شعار جلو رفت. باز هم تکرار می‌کنم به خدا من دلم برای مردمم، کشورم و جمهوری اسلامی ایران می‌سوزد. من واقعا از سر دلسوزی می‌گویم باید در روند کنونی تجدیدنظر جدی کرد.

به توییت اخیرتان هم گریزی بزنم که به موضوع حمله اسرائیل به ایران اشاره دارد. برداشت من از توییت‌تان جولان رادیکال‌ها و کوبیدن به طبل جنگ بود. آیا واقعا اکنون ما با یک جنگ اجتناب‌ناپذیر مواجهیم؟

اتفاقا من معتقدم و بارها هم گفته‌ام که جریان‌های رادیکال همواره بیشترین چالش‌ها را به دنبال داشته‌اند. من در توییتی که پس از بامداد پاسخ یکشنبه ایران به اسرائیل انجام شد، از تندروهای داخل اسرائیل که ادعا می‌کنند باید انتقام خود را از ایران بگیرند، پرسیدم که شما انتقام چه چیزی را می‌خواهید از ایران بگیرید؟ اگر ایران حمله موشکی و پهپادی به اسرائیل داشت؛ چون مستقیما به ساختمان سفارت و بخش کنسولگری ایران در دمشق حمله شده بود که به‌مثابه بخشی از خاک ایران تلقی می‌شود. مضافا اسرائیل در حملات خود حدود هفت فرمانده ارشد نظامی ایران را به شهادت رسانده بود. بماند که پیش‌ازاین هم چنین ترورهایی داشته است. پس اسرائیل با مجموعه حملات خود، مسیر و ریلی برای ایران تعریف کرده بود که تهران چاره‌ای جز این حمله نداشت؛ اما واقعا من از تندروهای اسرائیلی پرسیدم که اکنون پس از حمله ایران شما انتقام چه چیزی را می‌خواهید بگیرید؟

پس واقعا طیف تندرو در اسرائیل به دنبال آن است که نتانیاهو را وارد جنگ تمام‌عیار با ایران کند. هرچند که نتانیاهو هم بی‌میل به جنگ نیست. باوجوداین همان‌گونه که در داخل کشور هم یک طیف رادیکال حرف خودشان را می‌زنند، در اسرائیل هم تندروها جولان می‌دهند؛ درحالی‌که مقامات ارشد نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی پس از حمله ایران به اسرائیل رسما اعلام کردند که این پایان درگیری است؛ مگر آنکه اسرائیل حمله متقابلی انجام دهد.

و به نظر شما این حمله متقابل انجام می‌شود؛ چون در ۴۸ ساعت گذشته یک جریان‌سازی جدی رسانه‌ای برای اجتناب‌ناپذیر جلوه‌دادن حمله اسرائیل و قریب‌الوقوع‌بودن آن در دستور کار قرار گرفته است؟

بله، من این اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای را می‌بینم که هر لحظه امکام وقوع حمله مستقیم اسرائیل را مخابره می‌کنند؛ اما در کنار این طیف تندرو در اسرائیل، بخشی از جریان‌های میانه‌رو هم هستند که حمله متقابل به ایران را به صلاح نمی‌دانند و تأکید می‌کنند که در شرایط کنونی نباید وارد درگیری مستقیم و جنگ تمام‌عیار با ایران شد. این جریان میانه‌رو می‌گوید که اسرائیل یک حمله انجام داد و ایران هم به آن پاسخ داد و باید موضوع در همین سطح فیصله داده شود؛ اما باید به این واقعیت هم اذعان داشت که به نظر می‌رسد جریان تندرو در داخل اسرائیل توانسته است منافع و اهداف خود و نگاهش را به این جریان میانه‌رو تحمیل کند. آن‌گونه که مقامات ارشد اسرائیل از خود نتانیاهو گرفته تا بنی گانتس و گالانت و دیگر مقامات ارتش گفته‌اند، گویا پاسخ اسرائیل حتمی و قریب‌الوقوع است؛ بنابراین من در پاسخ به سؤالات شما قبلا هم اشاره کردم و اینجا هم جا دارد دوباره بگویم که این دست موضع‌گیری‌ها دو حالت بیشتر ندارد. یا یک ژست توخالی و برای پاسخ‌دادن به فضای عمومی اسرائیل، ادعای حمله به ایران مطرح می‌شود و امکان عملیاتی‌شدن صفر است یا اینکه واقعا اسرائیل به دنبال حمله مستقیم و قریب‌الوقوع به ایران است که من می‌گویم ایران باید خود را برای حالت دوم آماده کند و حتی در یک گام رو به جلو، معتقدم که ایران باید خود را برای شدیدترین حملات آماده کند. ما باید دشمن را قوی‌تر از خودمان در نظر بگیریم و خودمان را برای همه سناریوها و بدترین سناریوها آماده کنیم؛ کمااینکه دیدیم، هم مقامات آمریکایی و اروپایی و هم مقامات اطلاعاتی و نظامی و امنیتی اسرائیل اذعان کردند که اگرچه می‌دانستند ایران به اسرائیل حمله خواهد کرد اما انتظار این میزان و این تعداد از موشک و پهپاد را نداشتند؛ یعنی پاسخ ایران به مراتب شدیدتر از برآورد اسرائیل و آمریکا بود.

آیا واقعا بی‌بی جنگ تمام‌عیاری با ایران می‌خواهد؟

چه سؤال خوبی. برای بی بی نفس انجام این حمله از طرف جمهوری اسلامی ایران ملاک عمل است. همین که جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار به اسرائیل حمله کرد و این میزان از موشک کروز، بالستیک، موشک زمین به زمین و پهپاد را به سرائیل شلیک کرد، کفایت می‌کند که اسرائیل و نتانیاهو بهانه‌ای برای پاسخ مستقیم و واکنش متقابلی به ایران پیدا کنند و حمله به خاک ما را کلید بزنند؛ اما سؤال اینجاست که اگر در یک سناریوی بدبینانه واقعا اسرائیل به خاک ایران حمله کرد و آن‌گونه که عنوان داشتند، برخی از پایگاه‌ها و تأسیسات ما را هم هدف قرار دادند، آن وقت دوباره توپ در زمین ایران می‌افتد و آن‌گونه که مقامات گفته‌اند و هشدار داده‌اند، پاسخ شدیدتری خواهند داد و این بسیار خطرناک است و این همان چیزی است که من ماه‌ها پیش درباره آن هشدار داده‌ام و عنوان کردم ایران هر طور که شده، نباید در این دام بیفتد. فعلا آتش این جنگ محدود است.

در سال پایانی دولت سیزدهم قرار داریم؛ اما از همین ابتدا چشم‌انداز خوبی برای به نتیجه رسیدن شعارهای دولت وجود ندارد. با اتفاقات موجود و پیش‌بینی‌های انجام‌شده از وضعیت شاخص‌ها چه وضعیتی را برای ماه‌های آینده دولت رئیسی قائل هستید؟

در مصاحبه‌ای با یکی از رسانه‌های داخلی گفتم اگر به جای دولت رئیسی یک دولت دیگر سر کار بود که یک میلی‌متر به اصلاح‌طلبان نزدیک بود، یقین داشته باشید رئیس‌جمهور را دم خورشید کباب می‌کردند. تمام ائمه جمعه و تمام رسانه‌ها همه زور خود را به کار می‌گرفتند تا پوست دولت و رئیس‌جمهور را زنده‌زنده بکَنند، اگر عملکرد دولت رئیسی عملکرد آن دولت بود؛ اما می‌بینید که اکنون همه آن رسانه‌ها، همه ائمه جمعه و جماعات با تحلیل‌های دور از واقعیت فقط به دنبال تأیید و حمایت از دولت رئیسی هستند. اگر عملکرد دولت قابل دفاع بود که شعار سال دوباره تکرار نمی‌شد. اصلا خودتان مقایسه کنید، در همان خرداد ماه و تیر ماه سه سال قبل که آقای رئیسی رئیس‌جمهور شدند، قیمت‌ها با الان چه فرقی کرده است. آن زمان قیمت دلار چقدر بود؟ حقوق‌ها چقدر بود؟ تورم چقدر بود؟ یک کارگر با حقوقش چقدر می‌توانست گوشت یا برنج و نان بخرد؟ میزان مهاجرت دانشجویان و نخبگان و دیگر اقشار جامعه چقدر بود؟ نرخ تورم مسکن و اجاره خانه و هزینه‌های مربوط به هزینه‌های بهداشت و درمان و مشکلات حوزه اجتماعی مانند همین حجاب چقدر بود و الان چقدر است؟ وضعیت محیط زیست و آلودگی هوا چطور بود و الان چطور است؟ حالا که دو ماه دیگر مجلس دوازدهم هم روی کار می‌آید و دولت هم در سال آخر قرار دارد و هنوز بودجه‌ای در کار نیست و همه چیز پا در هوا و معلق است، مسئولان در این شرایط می‌خواهند شعار سال را هم محقق کنند! مگر سال گذشته توانستند که امسال هم بتوانند. این نتیجه سهم دولت در روند کنونی است؟ این نشان می‌دهد که اتفاقا نقش فقدان دیپلماسی، جولان تحریم، و نقش فعالیت ضعیف در صحنه بین‌الملل چقدر است.

فلاحت‌پیشه:

اقدام نظامی ایران، دقیق برنامه‌ریزی شده بود

فلاحت‌پیشه با اشاره به واکنش آمریکایی‌ها به پاسخ ایران به اسرائیل گفت: به طور مشخص مقامات آمریکایی ازجمله بایدن و بلینکن سعی کردند عملا اسرائیل را به خویشتن‌داری دعوت کنند و اعلام کردند که آمریکایی‌ها وارد این جنگ نمی‌شوند. این عوامل نشان می‌دهد که ممکن است این بحران پایان گیرد.

حملات ترکیبی سپاه پاسداران به مواضع نظامی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، همچنان محور تحلیل‌ها و اظهارنظرهای سیاسی است.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و سیاست خارجی، احتمال پایان‌یافتن بحران فعلی و درگیری بین ایران و اسرائیل را مطرح می‌کند و معتقد است «مقامات آمریکایی ازجمله بایدن و بلینکن سعی کردند عملا اسرائیل را به خویشتن‌داری دعوت کنند و اعلام کردند که آمریکایی‌ها وارد این جنگ نمی‌شوند. این عوامل نشان می‌دهد که ممکن است این بحران پایان گیرد».

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی، درباره پاسخ پهپادی-موشکی ایران به اسرائیل به خبرآنلاین گفت: من معتقدم آنچه اتفاق افتاد، نشان‌دهنده نزدیک‌شدن به یک درگیری تمام‌عیار است، به طور مشخص اگر اسرائیلی‌ها واکنش نظامی نشان بدهند، دو طرف وارد جنگ تمام‌عیار می‌شوند.

اقدام نظامی ایران دقیق برنامه‌ریزی شده بود

این تحلیلگر سیاسی گفت: خیلی از اتفاقات ازجمله حمله به کنسولگری، حمله به داخل خاک ایران و حالا هم اقدام نظامی گسترده ایران که اقدامی با هدف مقابله به مثل بود و برای رساندن این پیام به اسرائیل بود که در صورت شکل‌گیری جنگ فراگیر، آسیب‌پذیری آنها جدی خواهد بود، برای اولین بار است که بین دو کشور ایران و اسرائیل شکل می‌گیرد.

او ادامه داد: می‌دانید که اقدام نظامی ایران، بسیار دقیق برنامه‌ریزی شده بود که اماکن نظامی اسرائیل مورد حمله قرار گیرد و اگر همراهی پدافندهای منطقه‌ای آمریکا و انگلستان نبود، حتما آسیب‌پذیری‌های اسرائیل بیشتر می‌شد. درحال‌حاضر همان فضای رسانه‌ای که در ایران مطرح بود، الان در سرزمین‌های اشغالی مطرح است و بحث نوع حمله متقابل اسرائیل بحث اساسی سرزمین‌های اشغالی است.

نشانه‌های پایان بحران فعلی بین ایران و اسرائیل

این استاد دانشگاه با بیان اینکه نوع واکنش کشورهای غربی و حتی متحدان اسرائیل یک پیام جالب دارد، گفت: تقریبا همه آنها به صورت یک‌جانبه ایران را محکوم کرده‌اند؛ ولی هیچ‌کدام از آنها حتی به مقابله به مثل برای اسرائیل اشاره هم نکرده‌اند. اینکه هیچ‌کدام اشاره نکرده‌اند که اسرائیل مقابله به مثل کند؛ یعنی به عبارتی همگان نگران گسترش بحران هستند.

او گفت: مقامات ایرانی هم رسما اعلام کردند که حمله ایران پایان یافته است. به نظر من اتفاقی که در ادامه شکل می‌گیرد، این است که برخی از مقامات رژیم صهیونیستی در داخل سرزمین‌های اشغالی که در گذشته سعی کرده بودند تنش با ایران را مدیریت کنند، فضایی را شکل می‌دهند که مانع گسترش بحران شود. افرادی مثل الی کوهن که همین حالا هم اعلام کرده که باید اسرائیل جنگ را تمام‌شده بداند و گسترش ندهد. نگاه آنها به این موضوع است که ایرانی‌ها نشان داده‌اند که اگر جنگ فراگیر شود، می‌توانند کل سرزمین‌های اشغالی را مورد هجمه قرار دهند.

ایران تمام لانچرها و موشک‌اندازها را دوباره مجهز کرده

او با بیان اینکه وحشت بی‌سابقه‌ای در سرزمین‌های اشغالی شکل گرفت، بیان کرد: با وجود اینکه محل هجمه اماکن نظامی بود، می‌تواند باری بر دوش افراطیون رژیم صهیونیستی باشد، برای اینکه بحران را ادامه ندهند. مشخصا هم جریان چپ در اسرائیل و هم جریانات راستی که با افراط‌گری نتانیاهو مخالف هستند، سعی می‌کنند به گونه‌ای بحران را تمام‌شده نشان دهند. اگر این اتفاقات بیفتد، حتی می‌تواند بر کاهش تنش در غزه اثر بگذارد؛ ولی من معتقدم اگر امکان لازم برای افراطیون صهیونیست آن‌گونه که بلافاصله سعی کردند مجوز برای اقدام جدید و متقابل را در کابینه جنگ فراهم کنند، ایجاد شود، به گونه‌ای ناگوار یک جنگ تمام‌عیار شکل خواهد گرفت. دلیل آن هم این است که بلافاصله بعد از شلیک موشک‌ها، ایران تمام لانچرها و موشک‌اندازها را دوباره مجهز کرده و این بار دیگر جنگ به صورت مرحله‌ای بالا نمی‌رود و به صورت هم‌زمان شکل خواهد گرفت.

اگر اسرائیل حمله کند، ایران بلافاصله در ضدحمله موشک‌های جدید شلیک خواهد کرد

او افزود: به عبارتی اگر اسرائیلی‌ها اقدام نظامی انجام دهند، دیگر ایران خودش را تحت فضای رسانه‌ای قرار نمی‌دهد و بلافاصله با شروع اقدام نظامی اسرائیل، موشک‌های جدید ایران شلیک خواهند شد و معنای این جنگی تمام‌عیار است. دو طرف به گونه‌ای خطرناک در آستانه جنگ تمام‌عیار قرار گرفته‌اند و حتما آمریکایی‌ها این را می‌دانند که اگر اسرائیل حمله کند، بلافاصله در ضدحمله موشک‌های جدید ایران شلیک خواهند شد که به معنای یک جنگ تمام‌عیار است. تحلیلگر مسائل بین‌الملل با بیان اینکه من معتقدم که می‌شد تحولات را به گونه‌ای شکل داد که به این مرحله از جنگ نرسیم، خاطرنشان کرد: توازن دیپلماسی و میدان باید دوباره احیا شود. دیپلمات‌های ما نباید فقط به این اسم که برخی کشورهای غربی سعی کرده‌اند حمله ایران را محکوم کنند، آنها را در حوزه دشمن قرار دهند. مهم این است که هیچ‌کدام‌شان سعی نکردند که مشروعیتی را برای اقدام جدید نظامی اسرائیل در نظر بگیرند. علاوه‌برآن تحولات در منطقه نشان داد که این حملات از حمایت مردم کشورهای منطقه برخوردار است؛ ولی ممکن است دولت‌های منطقه سیاست دوگانه‌ای داشته باشند. به نظرم دستور کار فعلی ایران باید جلوگیری‌کردن از انزوای کشور در چالش‌های نظامی یا دیپلماتیک آینده باشد.

آزمون جدی روس‌ها و چینی‌ها

این نماینده سابق مجلس، درباره واکنش‌های کشورهای عربی و روسیه به حملات پهپادی سپاه به اسرائیل گفت: من معتقدم که معنای جنگ، تلخ است؛ ولی همین جنگ تلخ معنای خیلی از شعارها را مشخص می‌کند؛ درحالی‌که دست‌کم دو قدرت روز دنیا سعی کردند با خنثی‌کردن و انهدام پهپادها، فشار حملات به اسرائیل را کاهش دهند؛ ولی می‌بینیم که عملا هیچ‌کدام از قدرت‌هایی که در ایران راهبردی شناخته شده‌اند، هیچ کمکی در شرایط پیشاجنگ و جنگ به ایران نکردند و حتی به تعهدات خودشان در تحویل‌دادن تجهیزات و اماکن عمل نکردند. فلاحت‌پیشه گفت: نوع رفتاری را که ایران در جنگ اوکراین داشت، با نوع رفتار روسیه در این جنگ مقایسه کنید. ایرانیان به دلیل موضوع پهپادها در اوکراین هزینه‌های زیادی را متقبل شدند؛ اما روس‌ها هنوز هیچ‌یک از تجهیزاتی را که در جنگ احتمالی ایران با اسرائیل به درد می‌خورد، به ایران تحویل نداده‌اند. چین هم فقط مشغول بازی‌های تجاری خودش است. متأسفانه باید این واقعیت را بپذیریم که کشوری که دچار جنگ است، روزبه‌روز تنهاتر خواهد شد. به نظر من این موضوع یک آزمون جدی برای مناسبات خارجی ایران بود.

اگر جنگ شود، از خاک ایران تا خاک خیلی از کشورهای منطقه را در بر خواهد گرفت

او با اشاره به پاسخ سپاه به اسرائیل از خاک ایران برای نخستین‌بار گفت: من معتقدم که بدعت‌های مختلفی در رابطه ایران و اسرائیل شکل گرفته است؛ بدعت‌هایی که اسرائیلی‌ها در حمله به کنسولگری ایران و قبل از آن شروع کردند. کاری هم که ایران انجام داد، با هدف پاسخ به تهدیدی بود که معمولا مخالفان ایران مطرح می‌کنند، مبنی بر اینکه ایران نگاه ابزارگرایانه‌ای به گروه‌های نیابتی و متحدان منطقه‌ای دارد. من معتقدم اگر جنگ تمام‌عیار شود، آن وقت این جنگ از خاک ایران تا خاک خیلی از کشورهای منطقه را در بر خواهد گرفت.

یادداشت

کمک‌های بشردوستانه دولت‌ها به سازمان‌های بین‌المللی روزبه‌روز کمتر می‌شود

رئیس دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران با بیان اینکه سیاسی‌کردن کمک‌رسانی بشردوستانه اعتماد عمومی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، گفت: شاید در ابتدا این مسئله خیلی مهم به چشم نیاید؛ اما هرچه بیشتر و بیشتر این اتفاق می‌افتد، باعث می‌شود اعتماد مردمی که این کمک‌ها را دریافت می‌کنند، کم‌رنگ شده و در نهایت از بین برود.

ونسان کاسارد، مدیرکل بین‌المللی صلیب‌سرخ، در پاسخ به این سؤال که رابرت ماردینی، مدیرکل کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ اعلام کرده بود امروزه شاهد موانع فزاینده مانند سیاسی‌کردن کمک‌رسانی، اطلاع‌رسانی نادرست، حملات سایبری، کاهش منابع و اقدامات محدودکننده ازجمله تحریم‌ها، برای سازمان‌های بشردوست هستیم که بر توانایی آنها در پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون تأثیر منفی می‌گذارد، نظر شما در این زمینه چیست؟ به ایلنا گفت: کار بشردوستانه ما برگرفته از اصل اساسی بشردوستی است که یک اصل شناخته‌شده است و ما هر کاری را در حمایت از این اصل انجام می‌دهیم، این اصل مورد قبول همه است و بنابراین برای انجام این کار ما باید به اصل بی‌طرفی‌مان پایبند باشیم و جانبداری نکنیم. همچنین باید به اصل بی‌غرضی‌مان پایبند باشیم و بنابراین باید در ارائه کمک‌ها تبعیضی نداشته باشیم.

وی ادامه داد: بنابراین اصل بشردوستی نکته‌ای است که شاید بین بعضی از گروه‌ها تعبیر و تفسیر متفاوتی داشته باشد و اینجاست که دقیقا مشکل ایجاد می‌شود و این پیام دستخوش مسائل سیاسی یا مورد استفاده‌های سیاسی قرار می‌گیرد. در حقیقت شاید کمک به دیگری کردن از اهداف برخی از نهادها باشد و شاید نشان‌دادن اینکه آنها در این کمک برجسته و پررنگ هستند، بتواند یک هدف سیاسی را دنبال کند. بنابراین همه این موارد می‌تواند بر امر کمک‌رسانی بی‌طرفانه و اصل بشردوستانه تأثیرگذار باشد.

رئیس دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ در ایران با بیان اینکه شاید در ابتدا این مسئله خیلی مهم به چشم نیاید، تأکید کرد: اما هرچه بیشتر و بیشتر این اتفاق می‌افتد، باعث می‌شود اعتماد مردمی که این کمک‌ها را دریافت می‌کنند، کم‌رنگ شده و در نهایت از بین برود. طبیعتا مردم هم این را به صورت یک کمک‌رسانی می‌بینند، اما بعدا متوجه می‌شوند. این کمک‌رسانی شاید به واسطه دسترسی به یک‌سری چیزهای دیگری یا برآورده‌کردن منافع دیگری بوده است و آن‌وقت این اعتماد هم از بین می‌رود و وقتی این اعتماد از بین می‌رود، ناخواسته به تبع آن دسترسی و ارائه کمک‌های بشردوستانه هم تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

کاسارد خاطرنشان کرد: اخیرا ما شاهد این هستیم که اطلاع‌رسانی نادرست و دروغ‌پراکنی یا سخنانی که ناشی از تنفر است، افزایش پیدا کرده و هرچه این اتفاق بیشتر و بیشتر می‌شود، مقابله با این فعالیت‌ها هم برای ما سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. مشکل اصلی که این اطلاع‌رسانی نادرست یا دروغ‌پراکنی یا سخنان نفرت‌انگیز ایجاد می‌کند، ایجاد تفرقه در اجتماع است و این باور افراد را هدف می‌گیرد و این خودش یک چالش است.

وی با اشاره به سایر چالش‌هایی که در این خصوص وجود دارد، گفت: چالش‌های دیگری نیز وجود دارد، بااین‌حال، تأکید می‌کنم که اعتمادی که تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و سیاسی‌کردن کمک‌رسانی بشردوستانه اولین چالش است، اما چالش‌های دیگری نیز وجود دارد؛ ازجمله اینکه اگر به نقشه مخاصمات و فعالیت‌های کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ بنگرید، مشاهده می‌کنید که نیازهای بشردوستانه گسترده است و به‌طور مثال در سودان ما خشونت‌های بسیاری را شاهد هستیم و در اتیوپی پیامدهای مخاصمات مسلحانه هنوز به چشم می‌خورد. در افغانستان و میانمار نیز همین‌طور است. بنابراین بحران‌های فراگیر هم به نیازهای بیشتر دامن می‌زند. در مقابل آن بودجه کمک‌رسانی بشردوستانه اندک است و کمک‌هایی که دولت‌ها برای این مقصد انجام می‌دهند هم روز به روز کمتر و کمتر می‌شود و بنابراین پول کمتری به سازمان‌های بین‌المللی برای انجام کمک‌های بشردوستانه می‌رسد.

مدیرکل بین‌المللی صلیب‌سرخ در ایران تصریح کرد: برای مثال، در سازمان ملل پروژه امنیت غذایی که در افغانستان وجود دارد، یکی از همین موارد است و سازمان برنامه غذایی ناچار شد به دلیل کاهش بودجه این پروژه را ترک کند و این باز هم به عدم اعتماد دامن می‌زند؛ چراکه افراد با توجه به سخنان نادرستی که پراکنده می‌شود، فکر می‌کنند شاید کاهش بودجه و در حقیقت کم‌کردن کمک‌ها به مسائل سیاسی ربط دارد و در نتیجه باز این به اعتماد مردم صدمه می‌زند و آن را کاهش می‌دهد. بنابراین همه و همه نیازمند این است که ما توضیح بیشتری درباره انجام کارهای بشردوستانه ارائه کنیم و باید با صراحت درخصوص حضورمان در یک منطقه و همچنین علت حضورمان صحبت کنیم؛ چراکه وقتی در منطقه‌ای به دلیل مسائل بشردوستانه حضور داریم، گاهی اوقات لازم است اطلاعاتی را از افراد جمع‌آوری کنیم و باید درخصوص این شفاف‌سازی انجام دهیم که صرفا و صرفا این فعالیت‌ها در راستای کمک‌رسانی بشردوستانه است و نه چیز دیگری؛ چراکه مردم ممکن است از خودشان بپرسند این افراد یا این سازمان‌ها در اینجا چه کاری انجام می‌دهند؟ و ما لازم است در این زمینه شفاف باشیم و بتوانیم اعتماد آنها را در این خصوص مجددا به دست بیاوریم.

کاسارد خاطرنشان کرد: لذا امروزه ما نیاز به تلاش بیشتری در این زمینه داریم و باید بتوانیم روش‌شناسی خودمان را با این شرایط سازگار کنیم تا بتوانیم این اعتماد را احیا کنیم و تنها زمانی که این اعتماد وجود دارد، این امکان را خواهیم داشت که کمک‌رسانی بی‌طرفانه و غیرمغرضانه خودمان را انجام دهیم.

وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش، در پاسخ به این پرسش که با توجه به اینکه دنیا درگیر تغییر اقلیم است و بحران‌های ناشی از تغییر اقلیم در دنیا تأثیرگذار بوده است، برنامه کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ در این زمینه چیست و آیا تغییر اقلیم در مخاصمات تأثیرگذار است؟ گفت: این موضوع یک مسئله کلیدی برای کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ است و شاید خیلی واضح به نظر نرسد و همان‌طور که می‌دانید تغییرات اقلیمی یک پروسه زمان‌بر و طولانی‌مدت است، اما درواقع در شرایط مخاصمه این موضوع اثر دوچندانی دارد.

مدیرکل بین‌المللی صلیب‌سرخ در ایران تصریح کرد: با توجه به اینکه در شرایط و محیط تحت مخاصمه، مسائلی مانند جابه‌جایی و حملاتی که در محیط وجود دارد، هست و افراد در این شرایط ممکن است تأثیر بیشتری از آسیب‌های تغییر اقلیم ببینند، این اثرات ناشی از تغییر اقلیم و مخاصمه‌ای که در یک کشور در جریان است، ارتباط تنگاتنگی با همدیگر دارد. البته لزوما نباید ما اثرات آن را مرتبط با هم ببینیم.

کاسارد تصریح کرد: همان‌طور که می‌دانیم، تغییرات اقلیمی، شرایط آبی و منابع آبی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و اصولا نیازمند یک رسیدگی عمومی برای این کار است، اما وقتی شرایط مخاصمه به وجود می‌آید، این آسیب‌پذیری دوچندان می‌شود.